

## بررسی نقش حوزه‌ی حمایتی و توان‌بخشی تأمین اجتماعی در توان‌مندسازی سکونت‌گاه غیررسمی نجف‌آباد زنجان

محمد اجزاء شکوهی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

shokouhim@um.ac.ir

سما قهرمانی (کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

sama.ghahremani@yahoo.com

مهدیه اسدی (کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤل)

asadi.mahdieh@yahoo.com

### چکیده

شکل‌گیری و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی، از جمله پیامدهای رشد شهرنشینی بوده و شهر زنجان نیز از این قاعده مستثنی نیست. منطقه‌ی اسکان غیررسمی نجف‌آباد در اثر مهاجرت‌های بی‌رویه و کنترل نشده‌ی روستایی شکل گرفته و گسترش یافته است. هدف از این پژوهش بررسی نقش تأمین اجتماعی در توان‌مندسازی و رفع مشکلات محله‌ی نجف‌آباد زنجان می‌باشد. در رویکرد توان‌مندسازی، عامل مشارکت مردمی دارای اهمیت زیادی می‌باشد که متأثر از میزان توانایی اقتصادی و رضایت‌مندی است؛ از این‌رو در این پژوهش، رابطه‌ی بین متغیرهای وضعیت درآمد و توانایی به‌سازی محل سکونت، مهاجرت، میزان رضایت‌مندی و تفاوت نسلی و برخورداری از بیمه در توان‌مندسازی به‌سازی محله‌ی هدف سنجیده شده است. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و میدانی (مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه) استفاده شده است. اطلاعات حاصل از بررسی متغیرهای مندرج در ۳۲۰ پرسشنامه‌ی (حجم نمونه) که از ۲۸۱۴ خانوارهای ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی محله‌ی نجف‌آباد زنجان (جامعه‌آماري) به‌دست آمده، در نرم‌افزار Spss تجزیه و تحلیل شده است. بررسی‌های انجام شده در زمینه‌ی به‌سازی محل سکونت و میزان درآمد، وجود رابطه‌ی مستقیم ( $p\text{-value} = 0/001$ ) بین این دو متغیر را تأیید می‌نماید. نتایج به‌دست آمده، حاکی از آن است که بین نسل‌های اول و دوم مهاجران روستایی از حیث میزان رضایت‌مندی از محله‌ی نجف‌آباد تفاوت وجود دارد ( $p\text{-value} = 0$ )، همچنین در منطقه‌ی هدف بین عدم اجرای حوزه‌های حمایتی تأمین اجتماعی و توانایی ساکنان در به‌سازی واحد مسکونی ارتباط مستقیم مشاهده می‌شود ( $p\text{-value} = 0/1233$ ). کلیدواژه‌ها: اسکان غیررسمی، توان‌مندسازی، تأمین اجتماعی، تفاوت نسلی، توانایی اقتصادی، نجف‌آباد زنجان.

## مقدمه

حاشیه‌نشینی عبارت است از وضعیتی زندگی تمام کسانی که در جامعه‌ی شهری ساکن‌اند، ولی از نظر درآمد، بهره‌گیری از امکانات و خدمات در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند. در واقع کلیه‌ی کسانی که از حالت تولیدی گذشته‌ی خود بیرون آمده و به صورت مازاد نیروی انسانی در حاشیه‌ی شهرها ساکن‌اند، در گروه حاشیه‌نشینان قرار می‌گیرند. ضعف‌های اقتصادی موجود در ساختار خانوادگی افراد، به ویژه مهاجران روستایی، به عنوان یکی از مهم‌ترین علل گرایش افراد به حاشیه‌نشینی است. بیکاری جوانان و افراد سرپرست خانوار به این ضعف‌ها دامن زده و موجبات گسترده‌ی این معضل را فراهم می‌آورد، زیرا افراد به امید پیدا کردن شغل مناسب و گذراندن زندگی به شهرها پناه می‌آورند و به دلیل نیافتن شغل و سرپناهی مناسب به ناچار به حاشیه‌ی شهرها کشیده می‌شوند. این مسأله علاوه بر ایجاد مشکلات برای حاشیه‌نشینان، مشکلات فراوانی را نیز برای شهرها به وجود می‌آورد و به عنوان مانعی در ارائه‌ی خدمات شهرداری‌ها جلوه می‌نماید (توسلی، ۱۳۷۴: ۴۱). نسل حاشیه‌نشین‌ها دو گروه هستند: نسل اول مهاجران که بیرون شدن از چرخه‌ی اشتغال شهری و روستایی و فشارهای اقتصادی آن‌ها را دچار نوعی بی‌ثباتی در مدیریت خانواده، اعتیاد و انحراف اخلاقی کرده و از سویی ریشه‌های اخلاقی خود را هم از دست داده‌اند؛ نسل دوم که در کنار فقر، بیکاری و نبود حمایت اجتماعی، خرده فرهنگ‌های فقر و خشونت‌زده را به وجود آورده‌اند. بدین ترتیب گروهی گرفتار جرایم سازمان‌نیافته می‌شوند (صرافی، ۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی در ایران براساس دلایل بی‌شماری یک معضل ملی محسوب می‌شود، که با ادامه‌ی روند کنونی بی‌شک به یک فاجعه‌ی ملی منجر خواهد شد. ابعاد معضلاتی که حاشیه‌نشینی باعث نشو و نمای آن‌ها شده، بسیار فراتر از ناهماهنگی در بافت فیزیکی شهرهاست. متأسفانه سال‌های زیادی است که سلیقه‌ای عمل کردن متولیان شهرسازی در شهر زنجان، رهاورد و پیامدهای منفی بسیاری را به ارمغان آورده است. بسیاری از ناهنجاری‌های شهر زنجان و گسترش پدیده‌ی حاشیه‌نشینی در آن، به دلیل نبود برنامه‌ریزی‌های مناسب و عملی در راستای رفع این پدیده‌ی غیرقابل اجتناب است (زنجان، ۱۳۸۴-: ۱۱). در این میان هر چند مشکلات حاکم بر بافت‌های فقیرنشین مشکلات فیزیکی و کالبدی

نیست، ولی بهبود بخشیدن به شرایط فیزیکی در تخفیف مشکلات این بافت‌ها تأثیر بسیاری دارد. فقرزدایی کالبدی از بافت‌های فقیرنشین، ابتدایی‌ترین، عینی‌ترین و سریع‌ترین اقدام در جهت ساماندهی این بافت‌هاست. اقدامات انجام شده نشان‌دهنده‌ی توجه مسؤولان و سرلوحه و مشوق ساکنان در جهت ساماندهی ابعاد و عناصر نامطلوب این محلات است (شکوئی، ۱۳۷۳: ۲۷).

به منظور اجرای برنامه‌های توان‌مندسازی و تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای زیرساخت‌ها و فضاها و خدماتی و نیز مساعدت و یا احداث مجتمع‌های مسکونی، با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی موجود در جامعه و باور مدیران ارشد به پرداختن به این مهم، می‌توان از محل کمک‌های مردمی و نیکوکاران، اعتبارات دولتی، تسهیلات بانکی ارزان و کمک‌های بانک جهانی استفاده کرد (اداره‌ی کل روابط عمومی و امور بین‌المللی سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۸۱). در این میان نیز می‌توانیم به نقش سازمان تأمین اجتماعی در جهت رفع این معضل اجتماعی اشاره نماییم. دولت‌ها به کمک مالیات و حق بیمه، نظام‌های تأمین اجتماعی را در جامعه تقویت می‌کنند، تا به عنوان ابزاری جهت از بین بردن فقر و ریشه‌کن شدن این مسأله‌ی شهری در جامعه، مورد استفاده قرار گیرد (پژویان، ۱۳۷۷: ۵۵). توان‌مندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی در سال‌های اخیر، با توجه به اطلاع از نتایج مطلوب این روش در سایر کشورها، کمک‌های بانک جهانی و اقدامات مناسب مراکز اجتماعی، تا حدودی به بهینه شدن تدریجی این سکونت‌گاه‌ها در کشورها منجر شده است. سابقه‌ی پیشنهاد طرح ساماندهی و توان‌مندسازی اسکان غیررسمی در ایران، به مطالعات انجام شده در برنامه‌ی سوم توسعه باز می‌شود. لذا چاره‌جویی اسکان غیررسمی، به رهیافتی یکپارچه و جامع‌نگر در پرتو یک برنامه‌ریزی مالی مناسب نیاز دارد، تا مشکلات گوناگون اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را با هم نشانه رود. شواهد، نمایان‌گر این مسأله است که ساماندهی اسکان غیررسمی و حاشیه‌ی شهرها به سبب مسایل مدیریتی و مالی سازمان‌ها و نهادهای مؤثر در حاشیه و نبود متولی مشخص مدیریتی، غیرعملی و اجرائشدنی می‌نماید. نکته‌ی مهم اینکه، ساماندهی

سکونت‌گاه‌های غیررسمی در زنجان اصولاً از توان شهرداری، که در سطح محلی دارای اختیارات محدود بوده، خارج است و نیازمند مشارکت مردم و سایر نهادهای مؤثر در این موضوع است. با توجه به اینکه اسکان غیررسمی یک مسأله‌ی محلی محسوب می‌شود، شهرداری‌ها به کمک نهادهایی چون سازمان تأمین اجتماعی، که مرجعی قابل قبول در سطح سیاست‌های حمایتی بوده، می‌توانند نقشی مؤثر در توان‌مندی‌سازی و ساماندهی این مناطق ایفا کنند. پژوهش حاضر سعی دارد با بررسی ابعاد مختلف اسکان غیررسمی در محله‌ی نجف‌آباد زنجان به ارزش‌یابی سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی و عدالت خواهانه در کمک به حل معضل این منطقه بپردازد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

از دهه‌ی ۱۳۲۰ که برای اولین بار مهاجرت از روستا و شهرهای کوچک به سوی شهرهای بزرگ و پایتخت آغاز شد، ساختار سلسله‌مراتبی شهرهای ایران (نظام شهری) را بر هم زد، زمینه‌های حاشیه‌نشینی را در دهه‌های آینده فراهم نمود که حاکی از نبود سلامت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی است. برای مقابله با چنین پدیده‌ی نامناسبی، علاوه بر اصلاح ساختارهای اقتصادی-اجتماعی، باید به سرعت از گسترش آن ممانعت به عمل آورد و سپس به اصلاح مناطق حاشیه‌نشین مبادرت نمود. در جهان صنعتی امروز پدیده‌ی مهاجرت، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در اطراف شهرهای بزرگ و مناطق محروم شهری، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و از چالش‌های مهم فراروی مدیریت شهری است (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۱۱۱). در دهه‌های اخیر، شهرسازان، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مدیریت شهری درصدد سامان‌دادن به این مشکل برآمده و به روش‌های گوناگون با آن برخورد کرده‌اند. در شهرهای ایران مدیران شهری باید راهکارهای مناسبی برای جلوگیری از آن اتخاذ نمایند. در پژوهش‌های گذشته به این نتیجه رسیده‌اند، که استفاده از بنگاه‌های خیریه در ساماندهی وضعیت زندگی این مناطق اثر چندانی نداشته است، لذا در این پژوهش به دنبال این مسأله هستیم که آیا تأمین اجتماعی می‌تواند نقشی در ساماندهی این مناطق داشته باشد؟

### اهداف تحقیق

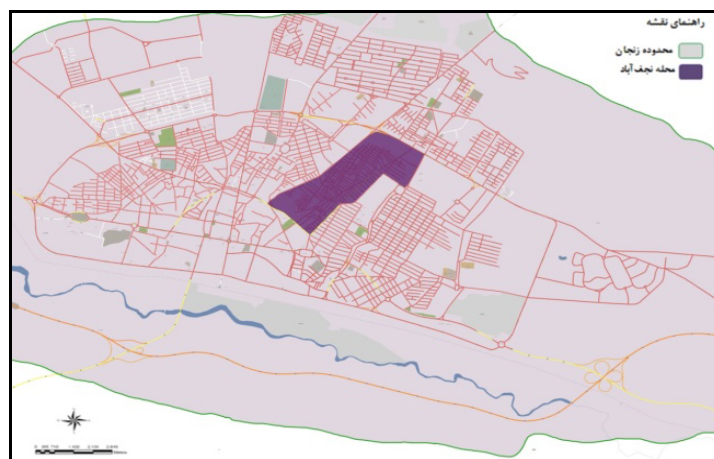
۱. مطالعه و شناخت ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محله‌ی حاشیه نشین نجف آباد زنجان؛
۲. مطالعه‌ی تأثیر توانایی اقتصادی ساکنان در به‌سازی محله‌ی حاشیه نشین نجف آباد؛
۳. بررسی تفاوت نسلی میان مهاجران اولیه‌ی روستایی و فرزندان آن‌ها، در محله‌ی نجف آباد؛
۴. بررسی ارتباط میان سیاست های حمایتی تأمین اجتماعی برای اقشار کم درآمد و دستیابی به اهداف توانمند سازی محله.

### مواد و روش‌ها

#### محدوده و قلمرو پژوهش

محله‌ی نجف آباد با مساحتی معادل ۸۷/۴ هکتار در شمال شرقی شهر زنجان، در سمت جنوب غربی کوی قائم قرار دارد. این منطقه از سمت غرب محله کوچمشکی، از شرق به اعتمادیه، از شمال به بزرگراه ۲۲ بهمن و مجتمع مسکونی مهر و از سمت جنوب به خیابان بعثت محدود می‌شود. (شکل شماره ۱) موقعیت مکانی محله‌ی نجف آباد را روی نقشه‌ی شهر زنجان نشان می‌دهد.

#### شکل ۱: موقعیت مکانی محله‌ی نجف‌آباد روی نقشه شهر زنجان



مأخذ: سازمان مسکن و شهرسازی استان زنجان

همان‌گونه که در شکل (شماره ۱) مشخص است، محله‌ی اسکان غیررسمی نجف آباد واقع در داخل بافت شهر زنجان بوده و جزو مناطق تثبیت شده شهر محسوب شده و مدیریت شهری آن را به عنوان جزئی از شهر به حساب می‌آورد.

### روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، اسنادی و پیمایشی است. به این صورت که مبانی نظری، شاخص‌های بررسی شده و داده‌های سرشماری به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و به منظور بررسی شاخص‌های توان‌مندسازی در محله‌ی نجف آباد، داده‌های مورد نیاز از شیوه‌های پیمایش میدانی شامل برداشت میدانی، تکمیل پرسشنامه از ساکنان و مصاحبه‌های عمیق با ریاست و معاونت تأمین اجتماعی استان زنجان گردآوری شده است.

### جامعه‌ی آماری

ساکنان محله‌ی نجف آباد شهر زنجان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) مشتمل بر ۲۸۸۱۴ تن می‌باشند (سازمان مسکن و شهرسازی استان زنجان، مهندسان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

### نمونه‌ی آماری (حجم نمونه و روش تعیین آن)

در این تحقیق برای انتخاب نمونه‌های آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و برای به‌دست آوردن حجم نمونه از روش نمونه‌گیری کوکران<sup>۱</sup> استفاده شده است.

$$n = \frac{t^2 pq/d^2}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

1. Cochran

با توجه به این که  $(p = 0.07)$ ،  $(q = 0.3)$ ،  $(T = 1/96)$  (با احتمال ۹۵ درصد) و  $(d = 0.05)$  است، حجم نمونه‌ی آماری چنین محاسبه می‌شود:

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 (0/7) (0/3)}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{28814} \left( \frac{(1/96)^2 (0/7) (0/3)}{0/05^2} - 1 \right)} = 320$$

### روایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه‌ی تهیه شده به رؤیت استادان و کارشناسان مربوط رسیده و پس از ارائه‌ی نقطه‌نظرات آنان نسبت به بومی‌سازی آن اقدام و در نهایت پرسشنامه‌ی نهایی تنظیم شده است و بر این اساس روایی و سیله‌ی اندازه‌گیری به طریق محتوایی حاصل شده است. برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات نیز از نرم افزار spss استفاده شده است.

### سؤالات و فرضیات تحقیق

اصلی‌ترین سؤالات تحقیق به این شرح است:

- آیا رابطه‌ی معناداری میان میزان درآمد ساکنان محله‌ی نجف آباد زنجان و به‌سازی کالبدی واحدهای مسکونی آنها وجود دارد؟
- آیا از نقطه نظر رضایت‌مندی زندگی در محله، میان مهاجران اولیه از روستا و فرزندان آنها تفاوت معناداری وجود دارد؟
- چه ارتباطی میان عدم اجرای سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی و توانایی ساکنان در به‌سازی محله وجود دارد؟

پاسخ‌های تحقیق به این پرسش‌ها به این گونه است که:

- میان میزان درآمد ساکنان محله‌ی نجف آباد زنجان و به‌سازی کالبدی واحدهای مسکونی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- از نقطه نظر رضایت‌مندی زندگی در محله، بین مهاجران اولیه از روستا و فرزندان آنها تفاوت معناداری وجود دارد.

- رابطه‌ی معناداری بین عدم اجرای سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی و توانایی ساکنان در به‌سازی محله وجود دارد. این پاسخ‌ها، فرض‌های اولیه‌ای خواهد بود که این پژوهش سعی در رد یا اثبات آن خواهد داشت.

### مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری تحقیق

#### مفهوم تأمین اجتماعی

اصطلاح تأمین اجتماعی، که آمیزه‌ای از امنیت اقتصادی<sup>۱</sup> و بیمه اجتماعی<sup>۲</sup> است، شامل سه حوزه است ( طرح‌ها و لوایح مصوب مجلس شورای اسلامی در یک نگاه، ۱۳۸۶: ۳۴):

۱. حوزه‌ی امدادی؛

۲. حوزه‌ی حمایتی و توان‌بخشی؛

۳. حوزه‌ی بیمه‌ای.

در پژوهش حاضر، حوزه‌ی حمایتی و توان‌بخشی مورد توجه است.

حوزه‌ی حمایتی و توان‌بخشی دارای اهداف و وظایفی است، که به شرح زیر است:

(الف) سازماندهی و هدفمند کردن یارانه‌ها و منابع حمایتی؛

(ب) هماهنگی بخش‌های مختلف دولت در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی؛

(پ) مشارکت در تعیین خط فقر؛

(ت) حمایت از افراد جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی و اجتماعی و پیامدهای آن به

خصوص در زمینه‌ی بیکاری، بی‌سرپرستی و در راه‌ماندگی و پیری؛

(ث) تأمین کمینه‌ی زندگی برای تمام افراد و خانواده‌های کم درآمد، با اولویت افرادی که به

دلایل جسمی و روانی قادر به کار نیستند؛

(ج) پرداخت مقرری بیکاری برای افراد جویای کار از جمله جوانان روستا، زنان خود-

سرپرست و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها؛

1- Economic Security

2- Social Insurance



چ) تحت پوشش قراردادان خانواده‌های بی‌سرپرست و خود سرپرست؛  
 ح) آموزش بازتوانی و ایجاد مهارت‌های شغلی خانواده‌های نیازمند؛  
 خ) ادامه‌ی روند حمایت از نیازمندان روستایی و عشایر (پناهی، ۱۳۷۶: ۲۵).  
 دیدگاه‌ها و سیاست‌های متفاوتی برای برخورد با مسأله‌ی حاشیه‌نشینی وجود دارد، نظیر آنچه در جدول (شماره ۱) به طور خلاصه بیان شده است.

در حال حاضر دیدگاهی که اهمیت و کارایی بیشتری در زمینه‌ی ساماندهی محلات اسکان غیررسمی دارد، راهبرد توان‌مندسازی است. در این تحقیق نیز از راهبرد توان‌مندسازی استفاده شده است، زیرا این راهبرد نه مانند تئوری‌های لیبرالیستی، عقیده به «بی‌عدالتی منطقی» و «عدالت درآینده» دارد، که شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی را بر پایه‌ی نظریه‌های توسعه‌ی اقتصادی مرحله‌ای، ضرورت مراحل اولیه و پیشرفت و توسعه اقتصادی بداند و حمایت دولتی را بی‌اهمیت جلوه دهد و نه مانند تئوری‌های زمین و خدمات یا رادیکالیستی، به دنبال جبران کمبودهای اسکان غیررسمی از طریق تزریق منابع دولتی است؛ این کار می‌تواند «حس بی‌خیالی» را جایگزین «حس تعهد به پیشرفت» نماید. با این حال این راهبرد پذیرش وضع موجود را در هر شرایطی و در هر جا قبول نمی‌کند، بلکه وضع موجود را شایسته‌ی کرامت انسانی ندانسته و شهروندان این نوع سکونت‌گاه‌ها را، همانند سایرین، واجد سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی می‌داند. در این راهبرد هر نوع سرمایه‌ی اجتماعی، کالبدی و مالی در ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی، نقطه‌ی حرکت اولیه جهت ساماندهی و یک نوع برنامه‌ریزی شهری دموکراتیک است.

#### جدول ۱: دیدگاه‌ها و سیاست‌های برخورد با مسأله‌ی حاشیه‌نشینی

| دیدگاه‌ها  | سیاست‌ها                       |
|--|--------------------------------|
| دیدگاه بوم‌شناسی شهری (اکولوژی شهری) (هاگت، ۱۳۷۵: ۱۹۴) | برنامه‌های خانه‌سازی اجتماعی   |
| دیدگاه نابرابری (فروغ، ۱۳۷۷: ۱۶۰)                      | طرح زمین - خدمات               |
| دیدگاه لیبرالی (شکویی، ۱۳۷۳: ۲۴۱)                      | تخریب و بازسازی                |
| دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا (لارسون و اسکیلدمور، ۱۳۷۹: ۱۰) | توان‌مندسازی و به‌سازی مشارکتی |
| راهبرد نوین توان‌مندسازی (صرافی، ۱۳۸۳: ۴۷۶)            | (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۵۴-۳۸)   |

محتوای این راهبرد، مبتنی بر تغییر نقش دولت‌ها از مداخله‌ی مستقیم در ایجاد تسهیلات و فضای مناسب برای تمامی عوامل مؤثر در امر تولید مسکن و فرایند ارتقاء کیفیت سکونت‌گاه‌ها از طریق بسیج و تجهیز تمامی منابع و ظرفیت‌هاست.

### مدل مفهومی تحقیق

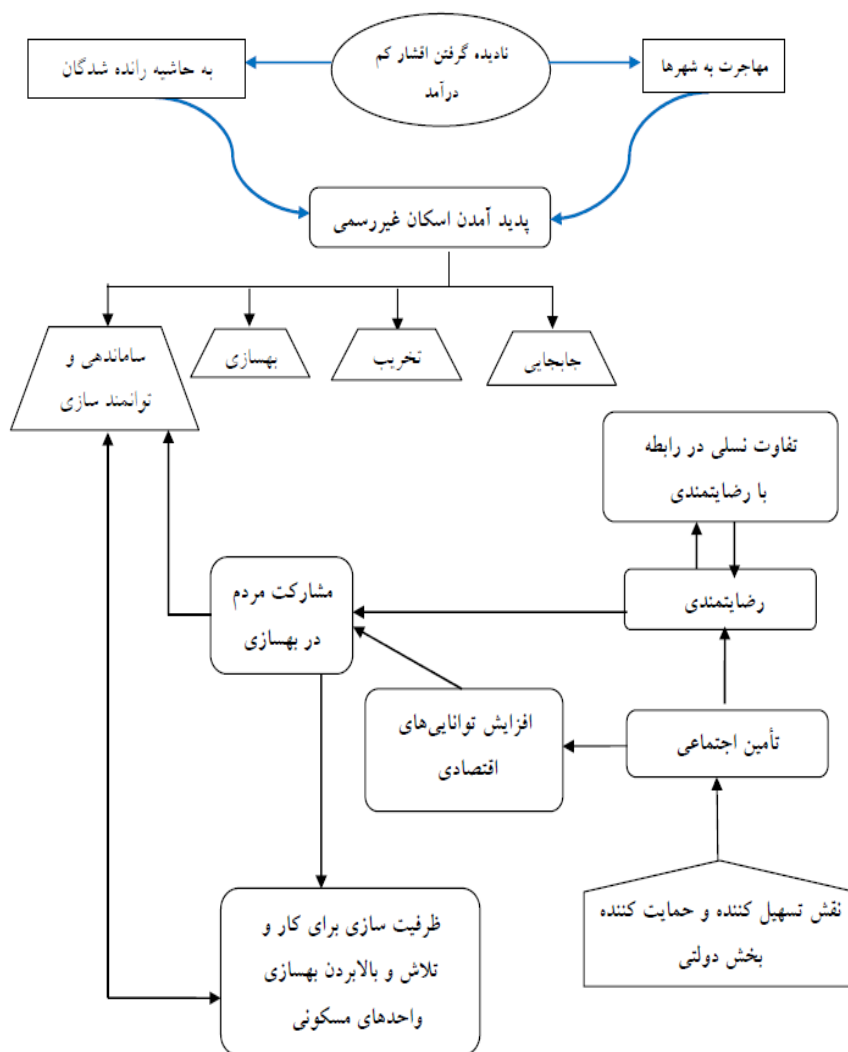
در بیان نقش حوزه‌ی حمایتی و توان‌بخشی تأمین اجتماعی در توان‌مندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی آنچه مسلم به نظر می‌رسد، بررسی دلایل و عوامل ایجاد محلات اسکان غیر رسمی است.

همان‌گونه که در نمودار (شماره ۱) قابل مشاهده است، حاشیه‌نشینی، به مثابه پدیده‌ای پیچیده در بستری از تعاملات، ناشی از تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های متعدد بروز می‌کند که گاهی تشخیص تقدم و تأخر آن‌ها نسبت به یکدیگر دشوار است و ما را در دریافت و شناخت راه-حل‌های مناسب برای برون‌رفت از این وضعیت با خطا روبه‌رو می‌کند (امکچی، ۱۳۸۱: ۵۷). پارک با اشاره به برخوردهای فرهنگی و نژادی ناشی از مهاجرت، این پدیده را یکی از علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند. به نظر او یکی از عواقب روانی-اجتماعی مهاجرت آن است، که فرد مهاجر اگر چه هم نژاد مردم جامعه‌ی میزبان باشد، در موقعیت جدید، خود را میان توقعات و ارزش‌های دو نظام فرهنگی موجود، پیوسته در تقلا و مبارزه می‌بیند و این شرط مبهم و گیج‌کننده موجب نوعی «دوگانگی شخصیت» می‌شود، که خود معرف و وجه تمایز انسان حاشیه‌ای است.

حاشیه‌نشینی، معلول عوامل گوناگونی است که در وهله‌ی اول به توزیع ناعادلانه و نامتوازن منابع ثروت و درآمد بین مناطق شهری و روستایی باز می‌گردد و این خود باعث افزایش میزان فقر و گسترش بیکاری در محیط‌های روستایی می‌شود (حسامیان و همکاران، ۱۳۷۶: ۲۴). در نتیجه‌ی این دافعه‌ها، مهاجرت‌های روستاییان به شهرها شدت می‌گیرد و در اثر مهاجرت‌های گسترده و بی‌رویه به شهرها، شهرها از نظر توسعه حالت ناهمگون پیدا می‌کنند. به دنبال این عوامل مهاجران تازه وارد نمی‌توانند در نظام اجتماعی-اقتصادی شهر جذب شوند و این خود باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند

فضای مناسبی جهت سکونت خود در مکان‌های متعارف شهری به دست آورند. در نتیجه به نقاط حاشیه‌ای شهر رانده می‌شوند و این امر سبب می‌شود روز به روز بر ابعاد و وسعت مناطق حاشیه- نشین افزوده شود (امکچی، ۱۳۸۱: ۳۱).

### نمودار ۱: چارچوب مفهومی تحقیق



مأخذ: نگارنده با استفاده از مدل ساماندهی اسکان غیررسمی و رویکرد توان‌مندسازی صرافی، ۱۳۸۱

## یافته‌های پژوهش

در ارتباط با سؤال نخست تحقیق که، «آیا رابطه‌ی معناداری بین میزان درآمد ساکنان محله‌ی نجف آباد زنجان و به‌سازی کالبدی واحدهای مسکونی آنها وجود دارد؟» و با توجه به اینکه توانایی اقتصادی ساکنان عامل اصلی به‌سازی واحدهای مسکونی محسوب می‌شود، میزان درآمد ساکنان این محله سنجیده شد. از طرفی میزان درآمد با شغل دارای ارتباط است؛ ارتباط میان درآمد و به‌سازی واحدهای مسکونی نیز بررسی شد.

### وضعیت شغلی و درآمد خانوار در محله‌ی نجف آباد

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر شاغلان محله‌ی نجف‌آباد کارگران ساده ۴۷/۹٪ هستند که در مشاغل مانند: کارگر ساختمانی، کارگر شرکت‌های صنعتی و خدمات کارگری موجود در ادارات دولتی، بیمارستان‌ها و ... فعالیت دارند. بیشترین درصد افراد شاغل در سایر مشاغل شامل فروشندگان یا مغازه‌داران (۱۴/۷)، صنعتگر (۱۳/۴) و راننده (۷/۴) است.

شاخص میزان درآمد خانوارها، یکی از عمده‌ترین عوامل در افزایش کیفیت زندگی است. با توجه به این‌که امروزه محلات بر اساس ویژگی‌های اقتصادی تفکیک شده و جدایی‌گزینی فضایی محلات بر عکس گذشته از عوامل اجتماعی به عوامل اقتصادی تغییر ماهیت داده است، بنابراین خانواده‌های با درآمد بالا در محلات مطلوب شهر و خانواده‌های با درآمد کمتر در محلات نامناسب سکونت می‌گزینند. میانگین درآمدی در محله‌ی نجف‌آباد برای هر خانوار ۲۷۲ هزار تومان است. در این محله نزدیک به شصت درصد خانوارها کمتر از سیصد هزار تومان درآمد داشته و ۵/۶ درصد از خانوارها دارای درآمد بیش از چهارصد هزار تومان هستند. با توجه به بعد خانوار این محله، ۴/۱ درصد از آنها دارای میانگین درآمدی شصت و شش هزار تومان برای هر تن در ماه می‌باشند، که به مراتب از خط فقر<sup>(۱)</sup> تعیین شده پایین‌تر است.

### رابطه‌ی بین میزان درآمد ساکنان و به‌سازی کالبدی واحدهای مسکونی

از میان ۳۲۰ خانوار تنها ۳۵/۹ درصد از آنها موفق به بهبود و ترمیم مسکن خود شده‌اند و ۶۴/۱ درصد هیچ اقدامی در جهت بهبود وضع مسکن انجام نداده‌اند.

## جدول ۲: میزان به‌سازی مسکن در نجف آباد

| بهبود وضعیت کیفی مسکن |                 |          |     |
|-----------------------|-----------------|----------|-----|
| تخریب و نوسازی        | بازسازی و ترمیم | هیچ‌کدام | جمع |
| ۵/۳                   | ۳۰/۶            | ۶۴/۱     | ۱۰۰ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

در این راستا ابتدا گروه‌های شغلی، میزان درآمد ساکنان و میزان به‌سازی واحدهای مسکونی بررسی و نتایج آن بررسی شد. در نهایت به منظور بررسی رابطه‌ی میان میزان درآمد و به‌سازی واحدهای مسکونی از آزمون ناپارامتریک کای دو ( $X^2$ ) و آزمون هم‌بستگی توافق<sup>۳</sup> در نرم‌افزار Spss استفاده شد. با توجه به جداول زیر، یافته‌های حاصل از نمونه‌ی مورد بررسی و جدول آزمون ناپارامتریک کای دو (جدول زیر) در می‌یابیم، مقدار ( $X^2 = 56.71$ ) (مقدار  $X^2$  بیشتر از  $X^2$  محاسبه شده است:  $9/94$ )، درجه آزادی ۴ و سطح معناداری برابر ( $0/1$ ) درصد است و چون مقدار ( $p - value = 0/1$ ) و کمتر از ( $0/05$ ) است، نشان می‌دهد که بین میزان درآمد و به‌سازی واحد مسکونی با احتمال بالایی رابطه وجود دارد. آزمون کای دو، شدت وابستگی دو متغیر بالا را نشان نمی‌دهد. از این رو در این تحلیل به منظور محاسبه‌ی شدت وابستگی، از ضریب همبستگی توافق<sup>۳</sup> استفاده شده است، که میزان توافق  $53/3$  درصد است و چون سطح معناداری کمتر از  $5$  درصد است، با اطمینان  $95$  درصد می‌توان پذیرفت که ضریب همبستگی معنادار است.

## جدول ۳: آزمون ناپارامتریک کای دو (میزان درآمد و وضعیت به‌سازی مسکن)

|  | Value  | df | Asymp. Sig. (2-sided) |
|--|--------|----|-----------------------|
| Pearson Chi-Square   | 56.71  | 4  | .001                  |
| Likelihood Ratio   | 51.98  | 4  | .000                  |
| Linear-by-Linear Association   | 31.450 | 1  | .000                  |
| N of Valid Cases   | 320    |    |                       |
| a. 8 cells (44.4%) have expected count less than 5. The minimum expected count is .21. |        |    |                       |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

جدول ۴: ضریب هم‌بستگی توافق<sup>۳</sup> (میزان درآمد و وضعیت به‌سازی مسکن)

|  | Value | Approx. Sig. |
|--|-------|--------------|
| Nominal by Nominal Contingency Coefficient | .533  | .000         |
| N of Valid Cases                           | 320   |              |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

در ارتباط با سؤال دوم تحقیق " آیا از نقطه‌نظر رضایت‌مندی زندگی در این محله، بین مهاجران اولیه از روستا و فرزندان آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؟"، برای بررسی این رابطه، نخست دلایل مهاجرت ساکنان محله‌ی هدف و سپس دلایل انتخاب این محله برای سکونت ارزش‌یابی شد. در نهایت این‌که "آیا از نقطه‌نظر رضایت‌مندی زندگی در این محله، بین مهاجران اولیه از روستا و فرزندان آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؟" بررسی شد.

در محله‌ی هدف در مورد دلایل مهاجرت یا عوامل دافعه‌ی موطن اصلی بر اساس نظریه‌ی مایکل تودارو، سه گزینه‌ی کمبود درآمد و بیکاری، دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی بیشتر (جاذبه‌های شهری) در اولویت اول و نداشتن شغل در اولویت بعدی قرار دارند. به عبارت دیگر، کم بودن درآمد، بیکاری و نداشتن شغل مناسب با ۷۳/۸ درصد و دسترسی به امکانات و خدمات شهری با ۱۷/۸ درصد بیشترین دلیل مهاجرت و تحصیل و ازدواج ۸/۴ درصد کمترین دلیل مهاجرت را به خود اختصاص داده است.

## جدول ۵: علت مهاجرت از موطن اصلی در محله‌ی نجف‌آباد زنجان

| علت مهاجرت از موطن اصلی |        |                         |       |          |                  |        |
|-------------------------|--------|-------------------------|-------|----------|------------------|--------|
| جمع                     | ازدواج | دسترسی به امکانات بیشتر | تحصیل | درآمد کم | نداشتن شغل مناسب | بیکاری |
| ۱۰۰                     | ۷/۹    | ۱۷/۸                    | ۰/۵   | ۴۵/۸     | ۸/۴              | ۱۹/۶   |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

بنابراین وجود جاذبه‌های شهری چون منبع اشتغال و درآمد (هر چند در بخش غیر رسمی)، امکانات رفاهی بیشتر در شهرها همواره عاملی در مهاجرت روستاییان به شهر بوده است.

## جدول ۶: عوامل دخیل در انتخاب محله‌ی نجف آباد توسط مهاجران

| علل انتخاب محل |                           |                     |                   |                                    |
|----------------|---------------------------|---------------------|-------------------|------------------------------------|
| جمع            | وجود آشنایان و خویشاوندان | قربت فرهنگی و زبانی | منابع کار و درآمد | ارزانی مسکن و پایین بودن اجاره بها |
| ۱۰۰            | ۱۴/۵                      | ۷/۳                 | ۵/۴               | ۷۲/۸                               |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

در محله‌ی نجف آباد ۷۲/۸ درصد خانوارها امکان پرداخت هزینه‌های مسکن (ارزانی زمین و مسکن و کم بودن اجاره‌بها) را عامل سکونت در محله یاد کردند، که باتوجه به کیفیت واحدهای مسکونی محلات و ماهیت غیررسمی و تملک و ساخت و ساز غیر مجاز در این محله، عاملی در ارزانی زمین و مسکن و در نتیجه سکونت افشار کم درآمد (عمدتاً مهاجرین روستایی) در گذشته و ادامه‌ی این روند در حال حاضر است. در کنار این عامل می‌توان به وجود خویشاوندان و آشنایان در محله ۱۴/۵ درصد، سنخیت ایلی و عشیره‌ای (قربت فرهنگی) با ۷/۳ درصد و وجود منابع کار و درآمد (دسترسی به محل کار و زمین‌های کشاورزی) با ۵/۴ درصد اشاره کرد.

## جدول ۷: مقایسه‌ی میزان رضایت نسل اول و دوم ساکنان محله‌ی نجف آباد

| میزان رضایت از وضعیت محله‌ی نجف آباد |           |      |       |      |         |                        |                          |
|--------------------------------------|-----------|------|-------|------|---------|------------------------|--------------------------|
| جمع                                  | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم   | خیلی کم |                        |                          |
| ۱۰۰                                  | ۱۶/۴      | ۳۴/۵ | ۳۷/۹  | ۱۰/۷ | ۰/۶     | نسل اول <sup>(۲)</sup> | مهاجران روستایی          |
| ۱۰۰                                  | ۱/۱       | ۲/۹  | ۹/۳   | ۳۶/۶ | ۴۷/۱    | نسل دوم <sup>(۳)</sup> |                          |
| ۱۰۰                                  | ۱۱/۷      | ۱۱/۷ | ۶۳/۳  | ۵    | ۸۳      | نسل اول                | مهاجران شهری             |
| ۱۰۰                                  | ۰         | ۱/۱  | ۸/۷   | ۳۵/۹ | ۵۴/۳    | نسل دوم                |                          |
| ۱۰۰                                  | ۲/۹       | ۲/۶  | ۱۰/۳  | ۵۴/۲ | ۳۰      | نسل اول                | اهل زنجان <sup>(۴)</sup> |
| ۱۰۰                                  | ۰/۲       | ۱/۲  | ۴     | ۳۲/۷ | ۶۱/۹    | نسل دوم                |                          |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

از میان ۱۴۹ خانواری که زادگاه آن‌ها خارج از شهر زنجان است، ۱۱۲ خانوار، مهاجرانی هستند که از روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند و از آن‌جایی که یکی از اهداف این پژوهش بررسی تفاوت نسلی میان مهاجران اولیه و فرزندانشان است، متغیر رضایت، متغیری بود که در میان تمام اعضای خانوار مورد بررسی قرار گرفت. از بعد میزان رضایت با توجه به جدول زیر تنها ۱۱/۳ درصد از مهاجران اولیه روستایی کمتر از حد متوسط از وضعیت زندگی در نجف‌آباد ناراضی بوده، به میزان ۵۰/۹ درصد راضی و ۳۷/۹ درصد در حد متوسط هستند. از جمعیت فرزندان مهاجران روستایی ۴۷/۱ درصد خیلی ناراضی، ۳۶/۶ درصد ناراضی، ۹/۳ درصد تا حدی ناراضی و ۴ درصد راضی هستند.

از مقایسه‌ی مهاجران شهری و روستایی این نتیجه برداشت می‌شود که رضایت‌مندی در میان نسل اول مهاجران روستایی بیشتر از نسل اول مهاجران شهری است، ولی میزان نارضایتی در میان نسل دوم مهاجران شهری و روستایی تقریباً یکسان است. از کلیه‌ی اعضای خانوارهای ساکن در محله، ۷۰۱ تن مورد مطالعه قرار گرفتند. با توجه به نتایج حاصل از بررسی میزان رضایت‌مندی از محله‌ی نجف‌آباد، بیشترین میزان نارضایتی در میان بومیان شهر زنجان (نسل اول و دوم) و بیشترین میزان رضایت‌مندی در نسل اول مهاجران روستایی مشاهده می‌شود.

جدول ۸: آزمون ناپارامتریک کای دو (میزان رضایت‌مندی و تفاوت نسلی مهاجران روستایی)

|   | Value              | df | Asymp. Sig. (2-sided) |
|---|--------------------|----|-----------------------|
| Pearson Chi-Square  | 26.25 <sup>a</sup> | 4  | .000                  |
| Likelihood Ratio  | 31.55              | 4  | .000                  |
| Linear-by-Linear Association  | 23.35              | 1  | .000                  |
| N of Valid Cases  | 457                |    |                       |
| a. 0 cells (.0%) have expected count less than 5. The minimum expected count is 12.39 |                    |    |                       |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰



جدول ۹: ضریب همبستگی توافق<sup>c</sup> (میزان رضایت و تفاوت نسلی)

|                    |                         | Value | Approx. Sig. |
|--------------------|-------------------------|-------|--------------|
| Nominal by Nominal | Contingency Coefficient | .605  | .000         |
| N of Valid Cases   |                         | 457   |              |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

به منظور بررسی ارتباط میان میزان رضایت‌مندی و تفاوت نسلی مهاجران روستایی از آزمون کای دو ( $X^2$ ) استفاده شده است، از جدول (شماره ۱۱) مشخص است مقدار ( $X^2 = ۲۶۷۲۵$ ) محاسبه شده که مقدار آن بیشتر از مقدار  $X^2$  جدول که برابر با (۹/۴۹) است، بوده، درجه‌ی آزادی ۴ و سطح معناداری برابر با (۰) درصد است و چون مقدار ( $p - value = ۰$ ) کمتر از ۵ درصد است، نشان می‌دهد که بین میزان رضایت و تفاوت نسلی مهاجران روستایی رابطه وجود دارد، همچنین به منظور بررسی میزان شدت وابستگی دو متغیر ذکر شده از ضریب همبستگی توافق<sup>c</sup> استفاده شده است، که میزان توافق ۶۰/۵ درصد و چون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه گرفت که بین میزان رضایت و تفاوت نسلی مهاجران روستایی رابطه وجود دارد.

در ارتباط با آخرین سؤال تحقیق که "چه رابطه‌ای بین عدم اجرای سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی و توانایی ساکنان در به‌سازی محله وجود دارد؟" نتایج در جدول (شماره ۹) بیان شده است.

## جدول ۱۰: رابطه‌ی سیستم حمایتی تأمین اجتماعی و توانایی در به‌سازی مسکن (درصد)

| جمع  | استفاده از سیستم حمایتی تأمین اجتماعی |     | تخریب و بازسازی | وضعیت مسکن کنونی ساکنان |
|------|---------------------------------------|-----|-----------------|-------------------------|
|      | خیر                                   | بلی |                 |                         |
| ۵/۳  | ۳/۲                                   | ۲/۱ | تعمیر           |                         |
| ۳۰/۶ | ۲۸                                    | ۲/۶ | هیچ‌کدام        |                         |
| ۶۴/۱ | ۶۳/۹                                  | ۰/۲ |                 |                         |
| ۱۰۰  | ۹۵/۱                                  | ۴/۹ | جمع             |                         |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

جدول (شماره ۱۰) نشان می‌دهد که سیستم‌های حمایتی سازمان تأمین اجتماعی در حد بسیار محدود ۴/۹ درصد به اجرا درآمده است و در صورت اجرا می‌تواند در جهت به‌سازی واحدهای مسکونی ۴/۷ درصد از افرادی که از مزایای حمایتی تأمین اجتماعی استفاده کرده‌اند، موفق به به‌سازی و ترمیم واحدهای مسکونی خود شده‌اند، در سطح محله‌ی هدف مفید واقع شود.

همان‌گونه که نتیجه‌ی مطالعات میدانی در جدول (شماره ۹) نشان می‌دهد، تعداد بسیار اندکی از ساکنان نمونه‌ی مورد بررسی از سیستم‌های حمایتی تأمین اجتماعی استفاده نموده‌اند، این موضوع خاطر نشان می‌شود که مدیران سازمان تأمین اجتماعی در راستای اجرای چنین سیستم‌های حمایتی به منظور توان‌مندسازی افراد فقیر کوتاهی می‌نمایند و آن‌طور که باید به حوزه‌ی حمایتی تأمین اجتماعی توجه ندارند.

جدول (شماره ۱۰) نشان می‌دهد که سیستم‌های حمایتی سازمان تأمین اجتماعی در حد بسیار کم به اجرا درآمده است و در صورت اجرا می‌تواند جهت به‌سازی واحدهای مسکونی در سطح محله‌ی هدف متمر ثمر واقع شود. با استفاده از آزمون کای دو ( $X^2$ ) میزان به دست آمده برابر ۲۱/۲۳۳ است که در سطح معناداری برابر (۰) درصد است و نشان می‌دهد که در سطح اطمینان بالایی رابطه‌ی معناداری میان عدم اجرای سیستم حمایتی تأمین اجتماعی و توانایی ساکنان در به‌سازی واحدهای مسکونی‌شان می‌تواند وجود داشته باشد.

جدول ۱۱: آزمون ناپارامتریک کای دو (سیستم حمایتی تأمین اجتماعی و توانایی در به‌سازی مسکن)

|   | Value               | df | Asymp. Sig. (2-sided) |
|---|---------------------|----|-----------------------|
| Pearson Chi-Square  | 21.233 <sup>a</sup> | 2  | .000                  |
| Likelihood Ratio  | 21.597              | 2  | .000                  |
| N of Valid Cases  | 320                 |    |                       |
| a. 0 cells (0%) have expected count less than 5. The minimum expected count is 7.01 |                     |    |                       |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بررسی استنباطی داده‌های پرسشنامه‌ای مشخص شد، تأمین اجتماعی در ساماندهی اسکان غیررسمی در محله‌ی نجف آباد، به‌خصوص در عامل و شاخص اقتصادی که مورد توجه

رویکرد توان‌مندسازی است، موفقیت‌چندانی به دست نیاورده است. این عدم توفیق در ارتباط با برخی از علل از جمله:

۱. اهمیت ندادن به حوزه‌ی حمایتی و توانبخشی نظام جامع تأمین اجتماعی توسط مسئولان امر این سازمان؛

۲. ناآشنایی ساکنان با این حوزه از تأمین اجتماعی و عدم مراجعه به سازمان تأمین اجتماعی به منظور آگاهی از حوزه‌ی حمایتی و توانبخشی است.

از آن‌جا که عامل اقتصادی از مهم‌ترین دلایل ایجاد اسکان غیررسمی در محله‌ی نجف‌آباد به شمار می‌آید، مهاجران که قسمت عمده‌ای از ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی این محله را تشکیل می‌دهند، عمده‌ترین دلیل مهاجرتشان را کمبود درآمد (۴۵/۸) درصد، بیکاری (۱۹/۶) درصد، نداشتن شغل مناسب (۸/۴) درصد ذکر کرده‌اند.

بیشتر ساکنان با درآمد پایین امرار معاش می‌کنند. (۶۲/۵) درصد خانوارها درآمدی کمتر از سیصد هزار تومان در ماه دارند و دلیل اصلی انتخاب این محل را برای زندگی، ارزانی زمین و مسکن و قیمت پایین اجاره‌خانه (۷۲/۸) درصد ذکر کرده‌اند. طبق نتایج به دست آمده از آزمون ناپارامتریک کای دو ( $X^2$ ) بین میزان درآمد و توانایی ساکنان در به‌سازی واحدهای مسکونی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. از آن‌جا که بر اساس اصول توان‌مندسازی، رضایت‌مندی و مشارکت ساکنان، عامل مهمی در موفقیت ساماندهی این سکونت‌گاه‌ها به شمار می‌آید؛ نتایج به دست آمده از پرسشنامه حاکی از میزان پایین رضایت‌مندی از وضعیت محله‌ی مذکور (۲۴/۵) درصد است و با توجه به تأثیر میزان رضایت‌مندی از وضعیت محل سکونت بر مشارکت‌پذیری ساکنان در توان‌مندسازی محله، می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت‌پذیری ساکنان محله‌ی نجف‌آباد در ساماندهی وضعیت محله کم (۴۵/۳) درصد است. در مجموع، سازمان تأمین اجتماعی به عنوان متولی رفاه اجتماعی می‌تواند با تضمین اجرای اصول حوزه‌ی حمایتی و توانبخشی از طریق افزایش توانایی اقتصادی ساکنان در به‌سازی واحدهای مسکونی، رضایت‌مندی آن‌ها از وضعیت محل سکونت و مشارکت‌پذیری ساکنان منجر به ساماندهی و توان‌مندسازی محله‌ی نجف‌آباد زنجان شود.

## یادداشت‌ها

۱. خط فقر اعلام شده از طرف مرکز آمار سال از طریق رسانه‌ها در سال ۱۳۸۷ معادل ۴۸۰ هزار تومان برای یک خانوار ۵ تن است.
۲. نسل اول: افرادی هستند که از مناطق دیگر (شهرها و روستاهای اطراف، اهالی مناطق دیگر زنجان) که به دلایل مختلف به محله‌ی نجف‌آباد مهاجرت کرده‌اند.
۳. نسل دوم: فرزندان نسل اول که در محله‌ی نجف‌آباد به دنیا آمده‌اند و از ابتدا با دو فرهنگ متضاد شهرنشینی و حاشیه‌نشینی روبه‌رو شده‌اند.
۴. اهالی زنجان: افرادی هستند که به علت ناتوانی اقتصادی قادر به زندگی در محلات دیگر زنجان نبوده و به ناچار به محله‌ی نجف‌آباد نقل مکان کرده‌اند.

## کتابنامه

۱. اداره‌ی کل روابط عمومی و امور بین‌المللی سازمان تأمین اجتماعی. (۱۳۸۱). برابری حقوق و توزیع مجدد درآمد بین نسل‌ها تلاش در جهت رفع مشکلات آینده مستمیری‌ها و کلیه طرح‌های حمایت اجتماعی. چاپ اول. تهران.
۲. افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابریهای اجتماعی، ارائه‌ی الگویی برای جدایی‌گزینی و پیامدهای آن*. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
۳. امکچی، حمیده. (۱۳۸۱). «ابزارهای حقوقی و قانونی مؤثر بر برون‌فکنی جمعیت و بروز حاشیه‌نشینی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی کشور». *هفت شهر*. شماره‌ی ۹-۱۰. تهران.
۴. پژویان، جمشید. (۱۳۷۷). «تأمین اجتماعی». *مجموعه مباحث و مقالات اولین همایش تدوین برنامه‌ی سوم توسعه‌ی کشور*. سازمان برنامه و بودجه. جلد سوم. چاپ اول. تهران.
۵. پناهی، بهرام. (۱۳۷۶). *اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی*. تهران: مؤسسه‌ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۶. پور محمدی، محمد رضا. (۱۳۸۵). *برنامه ریزی مسکن*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سمت.

۷. تودارو، مایکل. (۱۳۶۷). *مهاجرت‌های داخلی در کشورهای در حال توسعه*. مترجم سرمدی و همکار.
۸. توسلی، غلامعلی. (۱۳۷۴). *جامع‌شناسی شهری*. چاپ سوم. تهران: انتشارات پیام نور.
۹. جهان‌بین، رضا. (۱۳۸۷). *سیاست‌ها و راهبردهای توان‌مندسازی محلات اسکان غیررسمی* (مطالعه موردی: شهر تبریز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه تبریز.
۱۰. حسامیان، فرخ، محمدرضا حایری و بهروز منادی زاده. (۱۳۶۶). *عدالت اجتماعی در شهر*. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. تهران.
۱۱. داودپور، زهره. (۱۳۸۴). *کلان‌شهر تهران و سکونت‌گاه‌های خودرو*. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. تهران.
۱۲. زنجانی، حبیب اله. (۱۳۸۴). «حاشیه نشینی، جمعیت و مهاجرت». *مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی*. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. جلد اول. تهران.
۱۳. مهندسان مشاور تدبیر. (۱۳۸۸). «ساماندهی اسکان نامتعارف شهر زنجان (گزارش مرحله اول)». شهر سازمان مسکن و شهرسازی استان زنجان.
۱۴. شکوئی، حسین. (۱۳۷۳). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). «به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی». *هفت شهر*. سال سوم. شماره‌های ۹ و ۱۰. تهران.
۱۶. صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). «به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی - از حاشیه نشینی تا متن حاشیه نشینی». *هفت شهر*. سال سوم. شماره‌ی ۸. تهران.
۱۷. صرافی، مظفر. (۱۳۸۳). «مسأله‌ای به نام اسکان غیررسمی، راه حلی به نام توان‌مندسازی». *مجله شهرداری‌ها*. شماره‌ی ۶۶.
۱۸. «طرح‌ها و لوایح مصوب مجلس شورای اسلامی در یک نگاه». (۱۳۸۶). *فصلنامه تأمین اجتماعی*. شماره‌ی ۱۲.
۱۹. لارسون، توماس و دیوید اسکیدمور. (۱۳۷۹). *اقتصاد سیاسی بین‌الملل تلاش برای کسب قدرت و ثروت*. احمد ساعی و مهدی تقوی. تهران: نشر قومس.

۲۰. هادیزاده بزاز، مریم. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان. مشهد: شهرداری مشهد با همکاری نشر تیهو.
۲۱. هاگت، پیتر. (۱۳۷۵). جغرافیا (ترکیبی نو). ترجمه شاپور گودرزی نژاد. تهران: انتشارات سمت.
۲۲. هیراسکار، جی‌کی. (۱۳۷۶). درآمدی بر مبنای برنامه‌ریزی شهری. ترجمه محمد سلیمانی و احمدرضا یگانی فرد. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.